

تحول و تکوین دولت‌خانه نقش جهان، عالی قاپو

نظری بر مطالعات مؤسسه ایزمئو در دوره‌شناسی عالی قاپو

حسین پورنادری

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان

کلیدواژگان: عالی قاپو، دولت‌خانه نقش جهان، دوره‌شناسی عالی قاپو، کاخ نقش جهان، میدان نقش جهان

چکیده

نیستیم، اما در این باره نظرات متفاوتی ابراز شده که غالباً بر اساس متون تاریخی و نوشته‌های وقایع نگاران شاه عباس اول و پس از او و نیز بررسی و کاوش در خلال تعمیرات اساسی بنا بوده است. پایه و مبنای فرضیات و نظریات درباره عمارت عالی قاپو از آن رو حائز اهمیت است که به روشن شدن تحولات معماری و شهرسازی جدید کشور که از همان زمان آغاز شده است کمک شایان می‌کند. بررسی‌ها گویای آن است که عالی قاپو یک مرتبه و در یک دوره ساختمانی به وجود نیامده است. شواهدی از روند تکوینی و بافت ناپیوسته ساختمانی در بخش‌هایی از کاخ مشهود است. مطالعات سال‌های ۱۹۶۴ به بعد گالدری نیز نشانه‌های دیگری از روند مذکور را مشخص کرد. با وجود این نتایج به دست آمده از بررسی‌های ایزمئو می‌گوید عالی قاپو فاقد هسته اولیه بوده است که این گفته با اظهارات محققان پیشین و نیز پاره‌ای از مستندات موجود منطبق نیست. نوشته حاضر در صدد مرور نظرات فوق و پاسخ به چنین ابهاماتی است.

عالی قاپو در یک دوره ساختمانی کامل نشده است. شواهدی از روند تکوین بنا در بخش‌های مختلف کاخ مشهود است و مطالعات سال‌های ۱۹۶۴ م به بعد ایزمئو نیز این نظر را تأیید کرد. البته این مطالعات وجود «هسته اولیه» کاخ پیش از شاه عباس را رد کرد. گویا نتایج مبحث «دوره‌شناسی» کاخ و هسته اولیه دولت‌خانه، بی توجه به شواهد باستان‌شناسی و مستندات تاریخی بوده است. از گزارش‌های تاریخی چنین بر می‌آید که پیش از زمان شاه عباس و احتمالاً از زمان شاه اسمعیل دوم بنایی در محل عالی قاپو برپا بوده که بنای فعلی حاصل گسترش آن است. این بنا از اولین مستحدمات طرح میدان نقش جهان و نشانه سابقه فکر انتقال پایتخت به اصفهان است.

مقدمه

از آغاز و روند شکل‌گیری کاخ عالی قاپو که از مهمترین کاخ‌های سلطنتی عصر صفویه است به درستی آگاه

پرسش‌های تحقیق

آیا بنای فاخر و در ظاهر یکپارچه‌ای چون عالی‌قاپو هسته اولیه‌ای داشته است؟

در صورت وجود هسته اولیه، می‌توان آن را به شاه عباس اول نسبت داد؟ در صورت وجود هسته اولیه پیش از عباس اول چرا پادشاهی جسور و بلندپرواز، به جای تخریب و نوسازی، آن را حفظ کرده و توسعه داده است؟

۱. این نوشته برگرفته از ترجمه نوشتار جامع‌تری است که نویسنده برای بخش انگلیسی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تهیه کرده است که در آن به معرفی عالی‌قاپو می‌پردازد.
۲. اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ۴۲۶ و ۴۲۷.
۳. ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، ج ۱، ۲۸۰.
۴. محمد طاهر وحید قزوینی، عباسنامه، ۶۸ و ۷۸-۸۰.
۵. سانسون، سفرنامه، ۷۲.
۶. شاردن، سفرنامه قسمت شهر اصفهان، ۱۴۲.
۷. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ۱۴۹.
۸. لطفاله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۴۱۶.
۹. روبرت هیلن براند، معماری اسلامی، ۴۳۳.
۱۰. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ۲۸۶.
11. Blunt, *Isfahan Pearl of Persia*, 71.
۱۲. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ۱۴۹.
۱۳. همان، ۱۴۸.
۱۴. محمد مهدی اصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۳۸.
۱۵. تحویلدار اصفهان، جغرافیای اصفهان، ۲۱.

دولت‌خانه مبارکه نقش جهان^۱

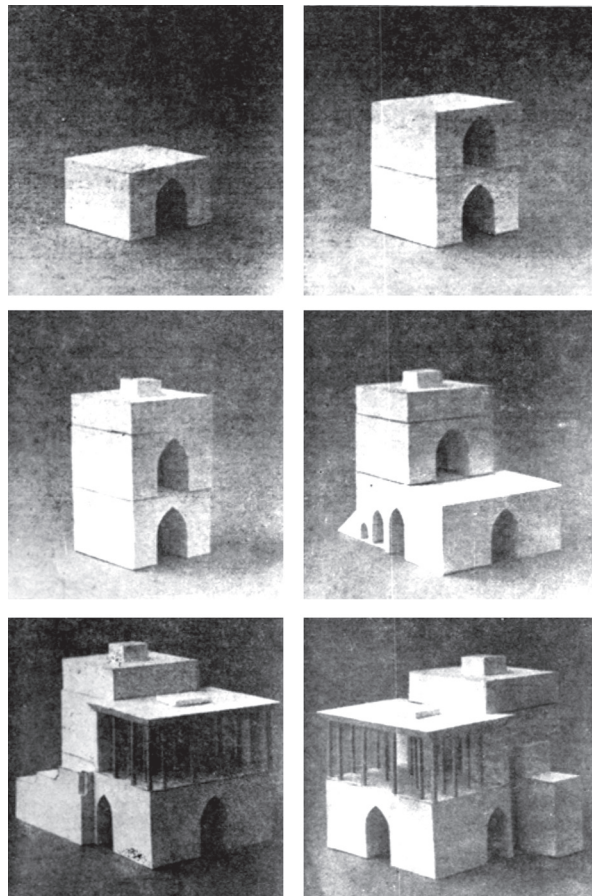
وجه تسمیه

مورخان هم زمان شاه عباس اول از کاخ سلطنتی میدان نقش جهان به نام «دولت‌خانه مبارکه نقش جهان» یاد کرده‌اند.^۲ گویا نام «عالی‌قاپو» از دوره شاه عباس دوم و پس از آن به این بنا داده شده است. ولی قلی بیک شاملو در شرح وقایع سال ۱۰۵۳ ق آن را «هفت آشام آلاقی» نامیده است.^۳ وحید قزوینی وقایع نگار شاه عباس دوم نیز نامی از عالی‌قاپو نبرده و آن را «دولت‌خانه مبارکه»^۴ و «عمارت میدان نقش جهان» نامیده است.

سانسون که مقارن با سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۰۵۵ ق) به ایران آمده «دری که به دربار شاهی راه می‌یابد» را «علی‌قاپو [عالی‌قاپو]= اله قاپو» نوشته است.^۵

شاردن به «سردرب عالی آن رو به میدان شاه» عالی‌قاپو گفته آن را به معنی «درب رفیع یا مقدس نه درب علی چنانچه بعضی گمان می‌کنند» آورده است.^۶

جابری^۷ و به پیروی از او هنرفر نام عالی‌قاپو را تقلیدی از (باب عالی) و قصر سلطان عثمانی در استانبول تصور کرده^۸ که شاه عباس توجه سیاستمداران اروپایی را به این کاخ هم نام در ایران متوجه کند. هیلن براند هم آن را به همین معنی آورده است.^۹ سایکس «علی‌قاپی یا عالی‌قاپو» را به معنی «دروازه بزرگ و مدخل قصر سلطنتی» آورده از «یک طاق نمای بزرگ که بر روی آن یک تالار بزرگ بر روی ستونهای چوبی قرار گرفته» و یکی از نمونه‌های خاص معماری عصر صفوی است یاد می‌کند.^{۱۰} بلانت آوردن دروازه [درب] بزرگ از آستانه حضرت علی به دست عباس و نصب آن در مدخل کاخ را افسانه خوانده و نوشته نام درست این باب نه «علی‌قاپو» است و نه «الله‌قاپو» که «باب عالی» است.^{۱۱} جابری می‌نویسد: «شهرت داده بودند، این درب را از نجف اشرف آورده تا شیعیه از روی عقیده آن را ببوسند و مردم نذور آورده و گره‌ها بسته به آن می‌آویختند و آن را علی‌قاپو می‌خواندند.»^{۱۲} آن زمان یکصد و ده عزا ده توپ بزرگ به شمار نام مبارک «علی» برابر عالی‌قاپو گذارده بودند.^{۱۳} مورخان دوره قاجار محمد مهدی اصفهانی^{۱۴} و تحویلدار^{۱۵} نیز آن را «علی‌قاپو» خوانده‌اند. اصفهانی شاه عباس اول را بانی بنا دانسته، که هم او دروازه



۱. مراحل ساخت عمارت عالی‌قاپو در نظریه گالدیری، مأخذ: عالی‌قاپو.

نظریه‌های پیش از گالدیری

بلان و گذار^{۱۹} و برخی از مورخان ایرانی از جمله جابری انصاری^{۲۰} حسب گفته‌های اسکندر بیگ منشی شاه عباس اول^{۲۱} و شاملو^{۲۲} مرحله اول را بنایی از دوره قبل از شاه عباس اول و جابری انصاری مؤکداً آن را کار «میرزا سلمان وزیر» اعتمادالدوله شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده می‌دانند که با دستکاری و گسترش طبقات در دوره شاه عباس اول تا شاه عباس دوم ساخته و پرداخته شده است.

گذار عالی‌قاپو را نتیجه نیاز عباس اول به نوسازی و ارتفاع بیشتر یافتن گوشه عصر تیموری «نقش جهان» تا سه طبقه

را از صحن نجف اشرف تیمناً و تبرکاً آورده و به همین سبب آن را «علی قاپی» نام نهاده است.^{۱۶}

سازمان فضایی عالی‌قاپو

سازماندهی فضاهای عالی‌قاپو نشان می‌دهد با آنکه این بنا در یک مرحله و در یک دوره ساختمانی کامل نشده است، ترتیب و تنظیم مشخصی دارد است که می‌توان افزوده‌های تدریجی آن را در قالب یک طرح جامع تصور کرد. به عبارت دیگر با مقایسه و تطبیق نقشه‌های اشکوب‌های عمارت، سامانه طبقات پیچیده و سنگین زیرین و طراحی سبک و هندسه فراخ و نقشه طبقات بالاتر توجیه می‌شود. همچنین گویا به غیر از اشکوب‌های پائین عمارت (همپراز با میدان)، که در اینجا آن را هسته اولیه می‌نامیم، دیگر اشکوب‌ها حاصل یک تفکر جامع و مربوط به یک زمان بوده است.

نظریه گالدیری درباره دوره‌بندی عالی‌قاپو

مطالعات گالدیری (از ۱۹۶۴م به مدت ده سال) گویای پنج مرحله گسترش پی در پی است. (ت ۱) که به نظر او آغاز آن همزمان با عملیات ساختمانی کاخ‌ها و عماراتی بوده که در میان باغ‌های سرسبز بود و با یک حصار احاطه می‌شد.^{۱۷} مجموعه وسیعی که به فعالیت‌های تشریفاتی و اداری و قضایی و باربایی می‌پرداخت. وی اولین مرحله ساختمان را به صورت یک مکعب مستطیل بزرگ و سنگین به ابعاد ۱۹×۲۰ در ارتفاع ۱۳ متر معرفی کرده که از دوره شاه عباس اول بوده (نه پیش از آن) و در چهار مرحله دیگر تا زمان شاه عباس دوم به تدریج کامل شده است. گالدیری گسترش (عمودی) را به سبب تغییر چهره میدان و توقف‌های زیاد طولانی‌تر ذکر کرده و الحاق تالار ستون دار را در زمان «شاه عباس دوم» و افزودن یا مداخله در نمای شرقی را به «شاه سلطان حسین» نسبت داده است.^{۱۸}

۱۶. همان، ۳۹.
۱۷. اوژینو گالدیری، عالی‌قاپو، ۱۸.
۱۸. همان، ۳۴ و ۳۵ و ۵۲ و ۵۵.
۱۹. آندره گذار، آثار ایران، ج ۴، ۲۶۴.
۲۰. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ۱۴۷.
۲۱. اسکندر بیگ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۴۲۶، ۳۶۰، ۳۵۶، ۳۴۶، ۲۸۶، ۲۸۸.
۲۲. ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، ج ۱، ۱۰۰ و ۱۰۴.

هیچگونه ساختمان قدیمی و یا حتی بخشی از آن مورد استفاده قرار نگرفته است. حال به فرض آنکه در حاشیه میدان فعلی و یا در داخل آن ساختمان‌هایی هم از قبل وجود داشته باید در ارتفاع خیلی پائین‌تر احداث شده باشد و این مسئله در نظم جدید نمی‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. وجود احتمالی آن زمانی به اثبات می‌رسد که عملیات تکمیلی حفاری عمیق انجام گیرد.^{۲۴}

این اظهارات گالدیری غالباً امور بدیهی است که در اصل به شواهد عینی و باستان‌شناسی مربوط نمی‌شود، و در عین حال می‌تواند مصداق هر دوره دیگری نیز باشد.

حال بنگریم به تناقض‌های این گفتار: «اولین قسمت از بنای عالی‌قاپو (که ارتفاعی برابر ۶/۴۰ متر داشته) در آن زمان منفرد و از چهار طرف آزاد بوده و بازار اطراف میدان با آن تماسی نداشته است».^{۲۵} این خلاف عقیده وی درباره «برنامه‌های وسیع و بلندپروازانه و نظم و دقت» است.

«در همان زمان ساختمان اولیه عالی‌قاپو به صورت یک مکعب مستطیل بزرگ و سنگین با ابعاد تقریبی ۲۰×۱۹ و ارتفاع سیزده متر ساخته می‌شود ... یک تاق بزرگ جناقی که تقریباً به ارتفاع کل ساختمان می‌رسد، ایوان مرکزی را تشکیل می‌دهد»^{۲۶} (در تناقض با عکس‌های الف و ب ماکت صفحه ۱۲۴ کتاب گالدیری).

تفکر و برداشت ما از «هسته اولیه»

بر اساس نظر بلان شاه عباس اول در نروز سال ۹۹۸ ق آغاز پایتختی اصفهان را اعلام می‌کند.^{۲۷} اسکندر بیک منشی کتاب عالم آرای عباسی را در ۱۰۲۵ ق آغاز کرده و در وقایع سال سوم جلوس شاه عباس مطابق با ۹۹۸ ق برای اولین بار از «دولت‌خانه مبارکه نقش جهان» که به نظر ما همان «هسته اولیه عالی‌قاپو» است نام برده است:

و آیات نصرت آیات در ساعت سعد به اصفهان رسیده اهالی آن ملک به لوازم استقبال پرداختند و از دولت آباد که سه فرسخی

و اضافه کردن پیشخوان زیر «تالار ستون دار» دانسته، که در سال ۱۰۰۶ ق به منظور استقرار شاه و حرم ساخته شد. وی نوشته است: «شاه عباس استفاده از طبقات فوقانی عالی‌قاپو را خاص خود قرار داد. حرمخانه از دردشت مستقیماً به کاخ جدید انتقال یافت».^{۲۳}

امکان وجود هسته اولیه

آیا عالی‌قاپو دارای هسته اولیه‌ای بوده است؟ در صورت وجود هسته اولیه می‌توان آن را به شاه عباس اول نسبت داد؟

نظر گالدیری درباره هسته اولیه

در اینجا لازم است نظرات و حدس و گمان‌هایی که گالدیری را متقاعد به نبود هسته اولیه کرده است بیان کنیم. وی نوشته است: جهت قبله با محورهای میدان رابطه هندسی معقولی دارد که حاکی از یک مجموعه طراحی شده است. سردر چهار بنای اطراف میدان که با کیفیت ظریف و با سلیقه ساخته شده، دقیقاً بر اضلاع میدان عمود است و هیچ آشفنگی ندارد. حال در یک چنین نقشه و طرح معقولی بسیار مشکل است بگوییم که رابطه قرار گرفتن عالی‌قاپو با قبله کاملاً اتفاقی است و باز از نظریه وجود ساختمان قبلی - هسته اولیه - جانبداری کنیم. هسته اولیه عالی‌قاپو تنها یک ورودی (هستی) کاخ‌ها بوده و نمی‌تواند عمارت مستقلی باشد که بعداً به عالی‌قاپو تبدیل می‌شود. طرح شاهی که محوطه میدان شاه و کاخ‌ها و چهار باغ را در بر می‌گرفت بسیار وسیع بوده و در نتیجه اقداماتی چنین بلند پروازانه نمی‌توانسته برنامه وسیع شاه عباس را مشروط کند. عامل دومی که وجود یک ساختمان احتمالی از دوره اواخر تیموری و یا قبل از صفوی [شاه عباس] را نفی می‌کند این مسئله است که در حوالی عالی‌قاپو آثاری از بناهای قدیمی‌تر به دست نیامده است. فرضیه مربوط به وجود هسته اولیه مورد بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسیدیم که برای ساختمان چنین هسته اولیه‌ای

۲۳. آندره گدار، آثار ایران، ج ۴، ۲۶۴.

۲۴. اوژینو گالدیری، عالی‌قاپو، ۱۳-۲۰.

۲۵. همان، ۱۹.

۲۶. همان‌جا.

۲۷. لوسین لویی بلان، زندگی شاه عباس، ۷۹.

در ۹۸۵ق میرزا سلمان جابری وزیر که خانه و موطنش اسپهان بود، به امر شاه [اسماعیل دوم] در آن [باغ جهان نما] ساختمانی کرده و شاه عباس اول در سنه ۱۰۱۸ق آن بنا را طوری طرح انداخت به پنج طبقه که با عمارت اولی یک بنا به نمایش آمد و دیگر صفویه نیز تکمیل و تزئین بنای عالی‌قاپو را کرده‌اند.^{۳۱}

پس در صورت وجود عمارتی از قبل، این «هسته اولیه» متعلق به پیش از عباس اول است زیرا نه در مطالعات گالدیری و نه در گزارش‌های تاریخی به عملیات قطعی و روشن تخریب و نوسازی در این نقطه در زمان شاه عباس اول بر نمیخوریم.

ارتباط «دولت‌خانه» با میدان نقش جهان

گالدیری وجود هسته اولیه عالی‌قاپو قبل از شکل‌گیری میدان نقش جهان را «پیش‌داوری» دانسته است: «می‌توان با قاطعیت تأکید کرد که ساختمان عالی‌قاپو از پایه در مجموعه بناهای طرح شاه عباس برای میدان نقش جهان و جهت کاخ اختصاصی وی به وجود آمده است».^{۳۲} گالدیری به گزارش‌های بالا توجه نکرده و شرح اسکندر بیگ در زمستان ۱۰۰۶ق برابر سال یازدهم جلوس شاه عباس در دولت‌خانه مبارکه نقش جهان را «بازی کلمات و عبارات»^{۳۳} پنداشته است. او نمی‌گوید مکانی که اسکندریبیک «دولت‌خانه مبارکه» نام برده و در زمستان سرد اصفهان «در آنجا به عیش و خرمی شب‌ها مجالس بهشت‌آسا آراسته است»^{۳۴} کجاست؟^{۳۵}

منشی در وقایع سال ۱۰۰۰ق مطابق با سال پنجم جلوس شاه عباس نوشته است: «در آن زمستان به دارالسلطنه اصفهان تشریف برده از آنجا به سیر دارالعباده یزد پرداختند و باز به اصفهان عود کرده بقیه زمستان در آن بلده جنت‌نشان عشرت پیرا بوده به داد دهی و کامجویی خلائق مشغول بودند و آخر زمستان به دارالسلطنه قزوین مراجعت فرمودند».^{۳۶} به گفته اسکندر بیگ، شاه عباس زمستان ۱۰۰۱ق را نیز در اصفهان به سر برده و امرای آن را در آنجا بار داده است.^{۳۷}

شهر است تا «دولت‌خانه مبارکه نقش جهان» پای‌انداز انداخته در چند مکان طبق‌های زر نثار مرکب همایون می‌کردند و بندگان حضرت اعلی در کمال مسرت و شادمانی داخل شهر شده در «دولت‌خانه» نزول اجلال فرمودند و آن «مکان مبارک» از غرور در مقدم همایون رشک جنان گردیده ابواب عیش و شادمانی بر چهره آمال و امانی منتسبان دولت قاهره مفتوح گشت.^{۳۸}

در گفته اسکندر بیگ عبارت‌های «مقدم همایون رشک جنان گردید» و «ابواب عیش و شادمانی مفتوح گشت» گویای احوالی است که در این سفر موفقیت‌آمیز پادشاه که برای «رفع اختلال احوال ولایات کاشان اصفهان یزد و فارس و کرمان و عصیان طغیان سران این منطقه پیش آمده بود»^{۳۹} به کار گرفته شده است. پیداست که این دولت‌خانه یک عمارت اختصاصی یا قصر گونه است.

از این پس نیز مورخان از این جایگاه با عبارت «دولت‌خانه مبارکه» یاد کرده‌اند. اسکندریبیک کمی قبل از این رویداد و در گزارشی از حرکت سران قزل باش به اصفهان از دولت‌خانه دیگری در اصفهان نام برده که در مکان دیگری بوده و به «حسینیه» شهرت داشته است. «اردو کوچ کرده روانه اصفهان شده در ساعتی که میرزا عرب منجم هروی تعیین کرده بود داخل شهر شده حسینیه دولت‌خانه همایون قرار گرفت. علیقلی خان در حوالی دولت‌خانه فرود آمد و اسمعیل قلیخان به محله «گلبار» رفته هر یک از امرا و ارکان دولت در منزلی مناسب نزول کردند».^{۴۰} این اول بار است که اسکندر بیگ از «دولت‌خانه» اصفهان یاد می‌کند و پیداست که این مکان محلی برای پرداختن به امور دیوانی است و قصر یا عمارت اختصاصی نبوده است.

گویا نزول اجلال شاه عباس که اسکندر بیگ در ۹۹۸ق گزارش کرده، و گزارش‌های دیگر او و نیز شرح ولی قلی شاملو از وقایع ۹۸۵ق (در دوره کوتاه حکومت شاه اسماعیل دوم) با گفته جابری انصاری، مورخ اواخر دوره قاجار، انطباق دارد:

۲۸. اسکندر بیگ ترکمان. تاریخ عالم
 آرای عباسی، ۴۲۶ و ۴۲۷. اسکندر
 بیگ در اینجا به باغ جهان آرای
 نقش جهان اشاره نکرده و مستقیماً از
 دولت‌خانه مبارکه نقش جهان با تأکید
 بر «مکان مبارک» نام آورده که
 پس از این نیز مورخان و سیاحان از
 تقدس درگاه آن فراوان یاد کرده‌اند.
 ۲۹. اسکندر بیگ ترکمان. تاریخ عالم
 آرای عباسی، ۳۵۹-۳۶۱ و ۴۲۷ و
 ۴۲۸ و لوسین لویی بلان، زندگی شاه
 عباس، ۷۶-۸۰ و باستانی پاریزی،
 گنجعلیخان.
 ۳۰. اسکندر بیگ ترکمان. تاریخ عالم
 آرای عباسی، ۳۶۰.
 ۳۱. حاج میرزا حسن خان جابری
 انصاری، تاریخ اصفهان، ۱۴۷.
 ۳۲. اوژینو گالدیری، عالیقاپو، ۱۳.
 ۳۳. همان، ۱۴.
 ۳۴. اسکندر بیگ ترکمان. تاریخ عالم
 آرای عباسی، ۵۴۴.
 ۳۵. می‌دانیم در محل این دولت‌خانه
 ابنیه‌ای بوده متعلق به دوران شاه
 اسماعیل اول و قبل از آن که اسکندر
 بیگ در بیست‌و دومین سال جلوس
 شاه عباس در ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ق از آن
 نام برده و گالدیری هم به آن اشاره
 کرده است. (اوژینو گالدیری، عالیقاپو،
 ۱۴)
 ۳۶. اسکندر بیگ ترکمان. تاریخ عالم
 آرای عباسی، ۴۴۶.
 ۳۷. همان، ۴۵۶.

همچنین گالدیری از قول منشی شاه عباس از دروازه پنج طبقه دولت‌خانه نام می‌برد و آن را عمارتی کاملاً جدیداً احداث بر می‌شمرد.^{۳۸} در حالی که منشی در همین جا به احداث درگاه عمارت اشاره می‌کند که: «[شاه عباس] مسجد دیگر [شیخ لطف‌الله] در برابر درگاه دولت‌خانه در غایت زینت و صفا احداث کرد».^{۳۹} بنابراین منظور منشی از «درگاه دولت‌خانه» همین عمارت عالی‌قاپوی فعلی است که در این عبارت به روشنی پیداست که قبل از اتمام سردر مسجد شیخ لطف‌الله در سال ۱۰۱۰ ق حداقل بخش‌های اساسی از آن موجود بوده و در آن کارهای اداری دولت‌خانه را انجام می‌داده‌اند. در بیان اسکندر بیک از «دولت‌خانه» همواره فعالیت اداری نهفته است که با «فعالیت‌های اداری و دیوانی» از سال‌های ۹۹۸ ق تا زمان نقل قول اخیر، یعنی قبل از سال ۱۰۱۰ ق، منطبق است. البته محور مکانی آن فعالیت‌ها، همان دولت‌خانه‌ای بوده است که بار اول از آن نام برده شده است، که تا این زمان (۱۰۱۰ ق) طبق آنچه می‌آید، در روند شکل‌گیری میدان نقش‌جهان و چهار بازار، درگاهی به آن افزوده شده است.

مؤلف روضة‌الصفویه با صراحتی بیشتر می‌گوید: «در مقابل رکنی که درب دولت‌خانه همایون و باب باغ نقش‌جهان در آن رکن واقع است قبه عظیم در غایت ارتفاع جهت مسجد [شیخ لطف‌الله] احداث کردند».^{۴۰}

شکل‌گیری میدان نقش جهان

صاحب روضة‌الصفویه فرمان نیرنگ (طرح) و احداث میدان را در سال ۱۰۱۲ ق و در ساعتی نیکو ذکر کرده است «که بر فضایی که بر ظاهر باغ نقش‌جهان و دولت‌خانه پادشاه زمان واقع است به مسافت سیصد جرید معمول ولایت اصفهان نیرنگ کشند ... میدانی مربع مستطیل به مسافت معین نیرنگ زدند و بر اطراف آن میدان چهار بازاری مشتمل بر دکاکین و بزازخانه و کاروانسراها و گرمابه‌های مطبوع و مساجد و مدارس مرغوب

ترتیب دادند».^{۴۱}

تاکید بر «برابر بودن درگاه دولت‌خانه و مسجد شیخ لطف‌الله» در روایت‌های ذکر شده نشان دهنده محور عرضی شاخص میدان نقش جهان و دو مدخل بناهای درگاه دولت‌خانه همایون و مسجد شیخ لطف‌الله است. بنابراین یکی از ابهامات مهم رابطه و مکان‌یابی دو بنای مسجد شیخ لطف‌الله و عالی‌قاپو در طرح میدان نقش‌جهان و نیز جهت و سوی میدان نیز روشن می‌شود. پنج سال پیش از همین تاریخ در ۱۰۰۵ ق سردر قیصریه نیز بنا به ماده تاریخی ملاجلال منجم شکل گرفت.^{۴۲} تا این سال صحبت مستقیمی از میدان نقش جهان نیست اما اتمام سر در قیصریه در سال ۱۰۰۵ ق و تجربه میدان قزوین در ۱۰۰۵ ق و سال اتمام سردر مسجد شیخ لطف‌الله (۱۰۱۰ ق) که درست برابر درگاه دولت‌خانه نقش‌جهان است، چند موضوع مهم را نشان می‌دهد:

- اتمام سردر قیصریه که هم در محور میانی و طولی میدان فعلی قرار گرفته و هم محور بازار پشت (بازار شاهی، چیت‌سازهای فعلی) در این تاریخ (۱۰۰۵ ق) پایان یافته بود، لذا این نقطه، پایه‌ای برای شکل‌گیری چهار بازار و کلیت میدان نقش‌جهان بوده است.

- بر بنای دولت‌خانه (هسته اولیه) که عمود بر سردر قیصریه است شاخص دیگری برای شکل‌گیری چهار بازار و میدان است.

- فاصله محور میانی سردر قیصریه تا بر دولت‌خانه مذکور نیمی از عرض میدان را به دست داده است.

- فاصله میان دولت‌خانه و سردر مسجد شیخ لطف‌الله که در ۱۰۱۰ ق پایان یافته بوده، همان عرض میدان نقش‌جهان و محور شاخص عرضی آن است که در سال ۱۰۰۵ ق مشخص بوده است. بنا بر این معلوم می‌شود پیش از ساخت سردر قیصریه و پیش از سال ۱۰۰۵ ق «طرح جامعی از میدان» را نسبت به دو نقطه مفروض (که یکی سردر قیصریه و بازار پشت و نقطه دیگر عمارت درگاه دولت‌خانه بوده) در نظر داشته

۳۸. اوژینو گالدیری، عالی‌قاپو، ۱۴.
 ۳۹. اسکندر بیک ترکمان. تاریخ عالم آرای عباسی، ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱.
 ۴۰. میرزا بیگ جنابدی، روضة‌الصفویه، ۷۶۰.
 ۴۱. همان، ۷۵۹.
 ۴۲. ملاجلال منجم، تاریخ عباسی، ۱۱۳. سروده این است: من ز معمار قضا پرسیدم/ قیصریه به صفهان کی شد/ همچو ویرانه میدان معمور/ گفت تاریخ همین است که شد/ «قیصریه به صفهان معمور».

عمارت دولت‌خانه را شاه اسماعیل دوم فرمان ساخت داده است. پس فرضیهٔ احداث بنایی که مرحلهٔ اول در نظریهٔ گالدیری است «ت ۱» و «ورودی کاخ‌های سلطنتی» منتفی است.

نتیجه

آغاز شکل‌گیری بنای عالی‌قاپو و مکان‌یابی آن مبتنی بر تفکر جامع‌تری است که به پیش از دورهٔ شاه عباس اول مربوط می‌شود. فکر انتخاب اصفهان به پایتختی صفویه، پیش از عباس اول هم مشهود است.

به سبب وجود ارتباط منطقی بین تفکر جامع پیشین (تجربهٔ میدان سعادت قزوین و آنچه میرزا سلمان وزیر در نظر داشت در اصفهان پیاده کند) و بنیان‌گذاری پایتخت در اصفهان (طرح جامع شاه عباس) آخرین بنای شکل گرفته در باغ جهان‌نما، دولت‌خانه رسمی دوره انتقال قرار گرفته و نظر به استعداد و توان آن به تدریج زندگی و ساختار پیچیده‌تری را تجربه کرده است. با توجه به وجود ارتباط و نسبت مکانی هستهٔ اولیه دولت‌خانهٔ نقش جهان با طرح جامع میدان لزوم دیدگاه کلی‌نگر به مطالعات بیشتر از پیش احساس می‌شود. این نگرش به احتمال زیاد نتیجهٔ مطالعات دوره‌شناسی عالی‌قاپو را تغییر می‌دهد.

کتاب‌نامه

- اسکندر بیک ترکمان. *تاریخ عالم آرای عباسی*. ج ۱ و ۲. تهران: گلشن، ۱۳۵۰.
- _____ . *تاریخ عالم آرای عباسی*. ج ۲. بکوشش ایرج افشار. ۱۳۸۲.
- اصفهان‌ی، محمد مهدی. *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: ۱۳۶۸.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم. *فتوحات شاهی*. به کوشش محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
- بلان، لوسین لویی. *زندگی شاه عباس*. ترجمهٔ ولی الله شادمان. تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
- بلانت، ویلفرد. *اصفهان مروراید ایران*. ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، به کوشش محمد احمدی‌نژاد. تهران: نشرخاک، ۱۳۸۴.

و تدارک دیده بودند.

احتمال وجود ذهنیتی مانند میدان نقش جهان، پیش از دورهٔ عباس اول^{۴۳}، نکتهٔ مهمی است که از نظر گالدیری پنهان مانده است. این تعریف تازه از میدان از ویژگی‌های جدید دارالسلطنه‌های این دورهٔ ایران است که روح مذهبی این دوره نیز در آن جاری است. بر این اساس برخی دیگر از ابهامات مانند شکل میدان نقش جهان و الگوی میدان و اهمیت فعالیت و روابط و همجواری کاخ با دیگر ابنیه و نیز ارزش جایگاه و معماری با صلابت مسجد جامع عباسی در میدان روشن می‌شود.

حفظ دولت‌خانهٔ اولیه و توسعهٔ آن با افزودن طبقات

- جای دولت‌خانهٔ نقش جهان که از ۹۹۸ تا ۱۰۰۵ ق از آن یاد شده است تغییر نکرده و از دولت‌خانهٔی نو بنیاد دیگری (همانند قزوین و یا آنگونه که از ابنیه شاخص دیگر خبر می‌دهند) هم ذکری به میان نیامده است.
- اغلب فعالیت‌های شاه، دیدارهای سفرا و ایلچیان و بار عام، در محوطهٔ جلوخان دولت‌خانهٔ و ورودی آن در میدان و به ندرت در دولت‌خانهٔ نقش جهان صورت می‌گرفته است.^{۴۴}
- در «جهت‌گیری» میدان و اندازهٔ طول و عرض آن و نیز استقرار بناهای اطراف، پیش‌بینی‌های لازم متناسب با علاقهٔ شاه از جمله بازی چوگان و تسلط دید به صحنه و زاویه مناسب آفتاب برای بازیکنان مؤثر بوده است.
- جهت دولت‌خانه با دیگر عمارات مجموعهٔ باغ جهان‌نما و میدان نقش جهان یکی است.
- نتیجه آنکه در طرح جامع و توسعهٔ میدان نقش جهان، مکان عالی‌قاپوی فعلی اهمیتی ویژه داشته است. به فرض وجود عمارتی از قبل، موضوع تعمیر و گسترش و اصلاح آن امری محتمل بوده است. جابری انصاری نیز گفته است هستهٔ اولیه

۴۳. شواهدی در دست است که شاه اسماعیل در همین حوزه به اسب تاختن و قیق انداختن پرداخته است. (نک: *فتوحات شاهی*، ۳۱۴)

۴۴. پیترو دلاواله، *سفرنامه*، ۴۵ و ۴۶ و ۲۶۳.

- باستانی پاریزی، محمد ابرهیم. *گنجعلیخان*. تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.
- پوپ، آرتور اپهام. *معماری ایران*. ترجمه کرامت‌اله افسر. تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۵.
- پورنادری، حسین. «عالیقاپو». در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* به زبان انگلیسی.
- تاورنیه، ژان باتیس. *سفرنامه*. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: انتشارات کتابفروشی سنایی و کتابفروشی تأیید، بدون تاریخ.
- تحویلدار اصفهان، میرزا حسین خان محمد ابراهیم خان. *جغرافیای اصفهان*. به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان. *تاریخ اصفهان*. تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری. مؤسسه انتشاراتی مشعل با همکاری شرکت بهی، ۱۳۷۸.
- جناب‌دی، میرزا بیگ. *روضه‌الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات موقوفات افشار، ۱۳۷۸.
- حجازی، محمد. *خلاصه تاریخ ایران تا انقراض قاجاریه*. انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۵.
- دل‌واله، پیترو. *سفرنامه*. ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفاء. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- سانسون، *سفرنامه*. ترجمه محمد مهریار. اصفهان: نشر گله‌ها، ۱۳۷۷.
- سایکس، سرپرسی. *تاریخ ایران*. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۶.
- شاردن. *سفرنامه قسمت شهر اصفهان*. ترجمه میر سید علی جناب، به اهتمام عباس نصر. اصفهان: انتشارات گله‌ها، ۱۳۷۱.
- _____. *سفرنامه قسمت شهر اصفهان*. ترجمه حسین عریضی. تهران: انتشارات گاه، ۱۳۶۲.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی. *قصص الخاقانی*. تصحیح سید حسن نصری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- گالدیری، اوژینو. *عالی‌قاپو*. ترجمه عبدالله جبل عاملی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۶۲.
- گدار، آندره. *آثار ایران*. ترجمه ابوالقاسم سرو قد مقدم. مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.
- منجم، ملاجلال. *تاریخ عباسی*. سیف‌اله وحیدنیا. انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
- وحید قزوینی، محمد طاهر. *عباسنامه*. تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان.
- اراک: کتابفروشی داوری (فردوسی سابق).
- ویلیبر، دونالد نیوتن. *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- هنرفر، لطف‌الله. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. کتابفروشی ثقفی، ۱۳۵۰.
- هیلن براند، روبرت. *معماری اسلامی*. ترجمه دکتر باقر آیت‌اله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۰.
- Blunt, W. *Isfahan Pearl of Persia*. Italy, 1974.